

## زیست نامه شهید مفتاح

بسم الله الرحمن الرحيم

## زیست نامه شهید محمد مفتاح

شهید محمد مفتاح



### اطلاعات فردی

نام کامل:	محمد مفتاح
تاریخ تولد:	۲۸ خرداد ۱۳۰۷ش
زادگاه:	همدان
تاریخ وفات:	۲۷ آذر ۱۳۵۸ش
محل دفن:	حرم حضرت معصومه

### اطلاعات علمی

استادان:	سید محمد محقق داماد، سید حسین بروجردی، امام خمینی، سید محمدرضا گلپایگانی و مرعشی نجفی
محل تحصیل:	قم
فعالیت‌های اجتماعی-سیاسی	
سیاسی:	مبارزه بر علیه رژیم پهلوی، نماز عید فطر در سال ۱۳۵۷ شمسی در قیطریه، دبیر جامعه روحانیت مبارز تهران
اجتماعی:	تأسیس دبیرستان دین و دانش

### اشاره

شهید آیه الله دکتر مفتاح در زمره عالمانی است که عمر شریف خویش را در راه احیای معارف اسلامی و نشر فرهنگ اهل بیت به کار گرفته و در سنگرهای گوناگون به ستیز با جهل و تباهی و ستم پرداخته اند. آن اسوه فضیلت برای آنکه دانشگاه را از تهاجم فرهنگی استعمار و علفهای هرز طاغوتی نجات دهد چشمه هایی از ارزشهای والای دینی را در این کانون اندیشه، جاری ساخت و در عصری که نغمه جدایی دین از دانش سازگردیده بود و شب پرستان کوردل با تبلیغات نفاق افکنانه خویش بذر تنافر و ضدیت بین حوزه و دانشگاه می پاشیدند نامبرده این دو کانون را به هم پیوند داد و فرهنگ حاکم بر دانشگاه را که ارمغان غرب بود متحول ساخت و باورهای دینی را بر فضای آن حاکم نمود و به مصداق زکاة العلم نشره جرعه هایی از اندیشه هایی را که در حوزه آموخته بود به کام دانشجویان شیفته فضیلت سرازیر نمود. این نوشتار گذری دارد بر زندگی و آثار آن شهید دانشمند.

### از ولادت تا تحصیل

روحانی فرزانه و عالم متعهد مرحوم حاج شیخ محمود مفتاح از واعظان مشهور همدان بود که در نهایت اخلاص و صداقت روزگار می گذراند و چون وی در ادبیات عرب و فارسی تبحر داشت اشعار زیادی در مدح و منقبت و رثای اهل بیت سروده که ضمن زیبایی های لفظی از مضامین عالی و تاریخ صحیح ائمه و احادیث معتبر سرچشمه گرفته بود. وی علاوه بر سخنوری و وعظ در حوزه علمیه همدان به تدریس مشغول بود. در سال ۱۳۰۷ ش. در خانه چنین ادیب فاضل و وارسته فرزندی دیده به جهان گشود که او را محمد نامیدند. دانش طلبی در سایه معنویت و تربیت و در پرتو فضیلت از همان دوران صباوت، حلاوت جان این کودک گردید.

او روی آوردن به علم و آراسته گردیدن به صفاتی پسندیده را از پدری عالم و مادری نیکوسرشت در کلاس باصفای خانواده آموخت، از هفت سالگی پایش به مدرسه گشوده شد و در زمینه ادبیات از پدر ادیب و شاعر خویش بهره مند گردید شهید مفتاح پس از فراگیری مقدمات علوم عربی، فقه و بخشی از منطق نزد پدر و اساتید وقت حوزه همدان به سال ۱۳۲۲ ش. به آشیانه اهل بیت - قم مقدس - مهاجرت نمود و در مدرسه دارالشفاء و در حجره ای محقر و نمناک اقامت گزید و همچون دیگر جویندگان معارف دینی با جدیت و اهتمامی درخور اهمیت به کسب علوم و مکارم پرداخت

ذوق سرشار و استعداد عالی به همراه کوشش پرجوش و وجود اساتید برجسته سبب آن گردید تا مفتاح به صورت شگفت انگیز و شایان توجهی دروس حوزه از جمله رسائل، مکاسب و کفایه را طی سالهای ۱۳۲۴ - ۱۳۲۲ ش. فراگیرد و خود در زمره اساتید حوزه علمیه قم قلمداد گردد.

ایشان عرفان و دروس خارج فقه و اصول را در عالی ترین سطح نزد، رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی ره فراگرفت. مرحوم مفتاح علاوه بر روابط شاگردی و استادی، با امام پیوندی صمیمانه داشت و آن روح قدسی به ایشان علاقه و عنایت داشتند و در مدتی که امام امت در نجف به سر می بردند وی به طریقی با رهبری و

اسوه خویش ارتباط برقرار کرد. پیامی که حضرت امام به مناسبت شهادت این دانشور ارزشمند صادر نمودند. مبین این رابطه است.

دکتر مفتح در آن اختناق خطرناک رژیم ستم شاهی چه در برنامه های علمی و پژوهشی و چه جلسات سخنرانی و تلاشهای تبلیغی اصرار و ابرام داشت که نام امام خمینی (قدس سره) مطرح شود و در مسجد قباى تهران صریحا و بدون هیچگونه واهمه ای در سالهای قبل از انقلاب نام آن بزرگوار را بر زبان جاری می ساخت . مرحوم مصطفی زمانی نوشته است که نه تنها مفتح خود چنین روش را بکار می بست بلکه در انجمن اسلام شناسی اعضاء را تقویت می کرد تا به کمال شهامت نه تنها مقاصد او را تقویت کنند. بلکه نامش را هم در کتابها بیاورند .

دکتر مفتح بخشی از کتاب رسائل شیخ انصاری را نزد آیه الله مجاهد تبریزی و دروس خارج خصوصا بخشی از اصول را در محضر آیه الله العظمی بروجردی (ره) فراگرفت . همچنین در فلسفه و حکمت نزد فیلسوف جلیل القدر امام مجهول القدر علامه طباطبائی تلمذ نمود مدتی از محضر فقیه اهل بیت علیه السلام آیه الله العظمی سید محمد رضا گلپایگانی (ره) و آیه الله العظمی مرعشی نجفی (ره) استفاده کرد. بخشی از دروس فلسفه و عرفان را نزد آیه الله حاج میرزا ابوالحسن رفیعی اصفهانی آموخت آیه الله سید محمد جحت پرتوی از اندیشه های فقهی خود را به این شاگرد وارسته انتقال داد. دکتر مفتح به موازات علوم حوزوی تحصیلات دانشگاهی را پی گرفت و به دریافت مدرک دکترا در رشته الهیات و معارف اسلامی نائل آمد. در فقه نیز آنچنان تبحری بدست آورد که عنوان با صلابت اجتهاد را برآورده خویش ساخت . پایان نامه تحصیلی وی رد مقطع دکترا با عنوان حکمت الهی در نهج البلاغه بدلیل ژرفایی مطالب و عمق مفاهیم با درجه بسیار خوب مورد قبول دانشگاه واقع شد .

### پرتو اندیشه

دکتر مفتاح پس از درک محضر اساتید وقت حوزه و کسب معارف اسلامی در سطوح عالی بعد از اندک مدتی خود به تدریس کتاب منظومه حاج ملاهادی سبزواری پرداخت و در شرح و توضیح این اثر مطالبی را تحت عنوان روش اندیشه به رشته تحریر در آورد که در حوزه اشتها یافت

وی از ابتدای تدریس در دبیرستان دین و دانش قم به روشن نمودن اذهان دانش آموزان در خصوص مباحث دینی و سیاسی و اجتماعی پرداخت و با همکاری شهید مظلوم دکتر بهشتی و حضرت آیة الله خامنه ای به مناسبت تقویت پیوند دانش آموزان ، فرهنگیان و دانشجویان با روحانیون اقدام به تاسیس کانون اسلامی دانش آموزان و فرهنگیان در قم نمود. این کانون اولین مجتمع اسلامی زنده بود که در آن گروههای مختلف جمع می شدند و جلوه ای بود از هماهنگی همه قشرهای جامعه بر محور اسلام عزیز و بینش پرجوش اسلامی . دبیرستان دین و دانش پایگاه مهمی برای تلفیق دین و سیاست و نیز مرکزی برای انس دین و دانش بود تا از این رهگذر نسل جوان با معارف دینی آشنا شده و طلاب حوزه با مسائل روز ارتباط یابند و وحدت میان روحانیت و اقشار فرهنگی تحقق یابد.

به لحاظ مقبولیت و محبوبیتی که شهید مفتاح بین طلاب و دانش آموزان کسب کرده بود ساواک جهنمی با آن تشکیلات عریض و طویل به وحشت افتاد و برای خنثی کردن فعالیتهای وی به کیدی ضعیف دست زد و شهید مفتاح را به سال ۱۳۴۷ از آموزش و پرورش اخراج و به نواحی بد آب و هوای جنوبی تبعید نمود. در سال ۱۳۴۸ که زمان تبعید آن شهید بزرگوار به سر رسید و باید به قم باز می گشت از ورود نامبرده به این شهر مقدس جلوگیری کردند و او را ناگزیر به اقامت در تهران نمودند .

شهید مفتاح عقیده داشت برای تحول در اندیشه های مردم لازم است که آنان را از دره نادانی به قله آگاهی رسانید. به عقیده وی بهر مسلمان علاقه مند و وظیفه شناس باید در دو جبهه مبارزه کند در یک جبهه با دشمنان اسلام و در جبهه ای دیگر با جهل و خرافه پرستی ، وی با اینکه یکی از برجسته ترین اساتید حوزه و دانشگاه بود و در این دو پایگاه حساس و نیز در دبیرستان های قم به تدریس مشغول بود به منظور آگاهی دادن به توده مردم و بیدار کردن و به حرکت درآوردن آنان تلاشهای وسیع داشت و به هیچ عنوان برنامه های

تبلیغی خود را رها نمی کرد خصوصا در ایام ماه مبارک رمضان ، محرم و صفر در نقاط مختلف کشور این فعالیت او مضاعف می گشت در ایام تبعید که در زاهدان اقامت داشت از وعظ و ارشاد مردم غافل نبود. دکتر مفتاح مسافرت‌های تبلیغی خود را به منبرهای افشاگرانه و روشنفکرانه تبدیل ساخته بود و سخنانش بدلیل آنکه تائثیر عمیق و وسیعی در اذهان و افکار مردم داشت و برای دستگاه سفاک پهلوی خطر آفرین بود، بارها از سوی ساواک بازداشت گردید و سخنرانی هایش تعطیل می شد. وی در شهرهای مختلفی از جمله آبادان ، اهواز، خرمشهر، دزفول ، اصفهان یزد، شیراز، کرمان ، بندرعباس ، زاهدان ، همدان ، کرمانشاه ، ساری ، بابل ، املش ، آمل ، چالوس ، مشهد، و... تلاشهای تبلیغی وسیعی داشت

از تلاشهای دیگر این شهید والا مقام می توان تاءسیس جلسات علمی اسلام شناسی را نام برد. این مجمع فعالیت وسیعی را به منظور شناساندن چهره اصلی اسلام شروع کرد و طی آن فضلا و نویسندگان حوزه علمیه آثاری را که در زمینه های گوناگون اسلام شناسی نوشته بودند مطرح کرده و پس از نقد و اصلاحهای مورد لزوم با مقدمه ای که دکتر مفتاح بر آنها می نوشت به چاپ رسانده و در اختیار عموم مشتاقان اندیشه های ناب اسلامی قرار می دادند. از آنجا که ساواک به نقش مؤثر این مجمع در شناساندن اسلام و معرفی حقایق تشیع پی برده بود به تعطیل کردن آن اقدام کرد و تنها این مجمع توانست به تاءلیف و یا ترجمه سیزده جلد کتاب اقدام کند .

دکتر مفتاح با همکاری شهید بهشتی فعالیت تحقیقی دیگری را در قم آغاز کرد و با ترتیب دادن جلسات سخنرانی در مسجد رضوی قم از اساتیدی چون شهید مطهری خواست تا در این برنامه شرکت کرده و به حاضران رهنمود بدهند که شهید مظلوم دکتر بهشتی ضمن مصاحبه ای به این تلاش تحقیقی اشاره کرده است در این جلسات تحقیقی آیه الله محمدرضا مهدوی کنی و آیه الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی شرکت داشتند و با استفاده از منابع اصیل اسلامی به تحقیقات ارزنده و عمیقی دست زده بودند که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بدان سبب که هر یک از این افراد در مشاغل عالی مشغول کار بودند، فرصت استمرار این کار پیش نیامد.

## آثار و تالیفات

با وجود آنکه دکتر مفتاح در سنگرهای متفاوت مشغول مبارزه با رژیم شاه بود و در سطح حوزه و دانشگاه و دبیرستان تدریس می نمود، از انجام کارهای پژوهشی و تالیفات غافل نبود و نگاهی به ارزشمندی بصورت تالیف و ترجمه از ایشان به یادگار مانده است که عبارتند از:

۱. ترجمه تفسیر مجمع البیان : جلد اول و دوم این تفسیر به قلم استاد مفتاح با همکاری حضرت آیه الله حسین نوری ترجمه شده است ولی جلد سوم را که دکتر مفتاح به تنهایی به فارسی برگردانده است ، سایر مجلدات این تفسیر را دیگر دانشمندان حوزه ، ترجمه نموده اند.
۲. حاشیه بر اسفار ملاصدرا: این حاشیه را دکتر مفتاح در زمان تحصیل و تدریس خود بر کتاب اسفار ملاصدرا نوشت و چنین کاری مبین عمق دید و ژرفای اندیشه آن استاد در عرصه حکمت و فلسفه می باشد.
۳. روش اندیشه : این کتاب را دکتر مفتاح به سال ۱۳۳۶ ش . در علم منطق نوشته است که به عنوان یکی از منابع درسی در حوزه و دانشگاه از آن استفاده می شود. علامه طباطبائی (ره ) بر این کتاب مقدمه نوشته است و دقت نظر، اصابت فکر، وفای بیان و سهولت لفظ مولف را ستوده است.
۴. حکمت الهی و نهج البلاغه : اثر یاد شده پایان نامه تحصیلی دوره دکترای شهید مفتاح است و ضمن آنکه از ژرف نگری و وسعت مبانی برخوردار است ، مطالب آن برای عموم مردم قابل استفاده می باشد. این کتاب دارای پیش گفتاری نسبتاً مفصل ، مقدمه و سه بخش است.
۵. آیات اصول اعتقادی قرآن : این کتاب شامل چند بخش است که بخش اول پژوهش های استاد مفتاح را در خصوص مباحث اعتقادی شیعه با تکیه بر آیات قرآن در بر می گیرد.
۶. نقش دانشمندان اسلام در پیشرفت علوم : این نوشتار ۶۰ صفحه ای مجموعه مقالات دکتر مفتاح است که در سال چهارم مجله مکتب اسلام به تدریج انتشار یافته است . که هشت مقاله را در بر می گیرد.
۷. ویژگیهای زعامت و رهبری : در این اثر مقالات و سخنرانی های این شهید بزرگوار در خصوص زعامت و رهبری و مباحث حکومت اسلامی گردآوری شده است.

۸. مقالات : در مجلاتی چون مکتب اسلام ، خصوصا مکتب تشیع و نیز مجله معارف جعفری شهید مفتاح مقالاتی را در خصوص معارف اسلامی و معرفی مذهب حقه تشیع نوشته است که یکی از این مقالات ارزشمند مطلبی است تحت عنوان مکتب اخلاقی امام صادق علیه السلام که در پنجمین نشریه سالانه مکتب تشیع در خرداد ۱۳۴۲ ش . درج گردید.
۹. مقدمه نویسی بر آثار دیگران : از دیگر کوششهای فکری دکتر مفتاح نوشتن مقدمه بر آثار نویسندگان جوان حوزه است که از مجمع علمی اسلام شناسی - که خود مسئولیت آن را به عهده داشت - شروع شد و تا چند سال بعد استمرار یافت . مجموعه این نوشته های ارزشمند اگر؛ جایی تدوین گردد خود کتابی مستقل و در عین حال سودمند را تشکیل خواهد داد. گزیده ای از این مقدمه نویسی ها در کتابی تحت عنوان افکار استاد شهید دکتر مفتاح آمده است

### آذرخشی در کویر ستم

شهید مفتاح علاوه بر آنکه اندیشه های علمی خود را در محضر مبارک حضرت امام خمینی قدس سره ( صفا داد در پرتو افکار تابناک امام راحل ، ستیز با ستم و نفی هر گونه سلطه را از مهم ترین برنامه های خود قرار داد و سخنرانی ها، مقاله ها و در جلسات درسی افراد را نسبت به فجایع جهان اسلام که ارمغان استعمار است آگاه می نمود و فساد تباهی استبداد را افشاء می کرد از این جهت وی را از سخنرانی کردن و هر گونه تبلیغ مذهبی منع کردند چنانچه آن شهید در سخنرانی ماه مبارک رمضان در سال ۱۳۵۷ به این وضع اشاره کرده است. با این حال این دانشمند مبارز آرام نمی گیرد و وقتی که از سوی رژیم به سستهای اسلامی توهین می شود فریاد می زند و می گوید اگر به افکار اسلامی ما جسارت کرد. ما آرام نمی توانیم بگیریم ، اگر به احساسات مذهبی ما احترام قائل نشدید ملت ایران آرام نخواهد شد. و وقتی با خبر شد که رژیم منحوس پهلوی تاریخ رسمی کشور را تغییر داده است چون آتشفشانی خروشید و گفت:

چطور ایرانی باید تاریخ پرافتخار هجرت رسول الله صلی الله علیه و آله را، یعنی تاریخ اسلام ، افتخار انسانها، افتخار ایران ، نجات دهنده ایران را کنار بگذارد. یا رسول الله صلی الله علیه و آله ما از روی تو شرمنده ایم . لذا



مرجع بزرگوار پرچمدار جهان تشیع حضرت آیه الله العظمی امام خمینی به ملت ایران هشدار می دهند که به کار بردن این تاریخ حرام است .

شهید مفتاح در سالهای حدود ۱۳۴۰ ش . که همزمان با آغاز قیام امت اسلامی است اغلب به شهرهای استان خوزستان می رفت و به دستور امام خمینی(قدس سره ) به فعالیتهای تبلیغی و افشاگری جنایات رژیم شاه می پرداخت و وقتی که ساواک وی را به نقاط بد آب و هوا تبعید نمود و از ورودش به قم جلوگیری به عمل آورد. دکتر مفتاح به منظور گشودن سنگری برای ستیز با رژیم شاه به شوق همکاری با شهید مطهری در دانشکده الهیات دانشگاه تهران به تدریس مشغول شد.

آن شهید بنا به دعوت مؤ منان و اهالی مسجد الجواد در این مکان مقدس به ایراد سخنرانی و انعقاد جلسات تفسیر پرداخت و از این طریق به روشنگری و ارتباط بیشتر بین دانشجویان و اقشار روحانی همت گمارد و در سال ۱۳۵۲ ش . برای تجمع و تشکل نیروهای مسلمان امامت مسجد جاوید تهران را پذیرفت و در این مکان مبارک هسته مقاومتی تشکیل داد و طی برنامه های منظم و جهت داری از سخنران متعهد و مبارزی همچون شهید مطهری دعوت بعمل آورد تا در این مکان حاضرین را با حقایق اسلامی آشنا کند. سرانجام در سوم آذر ۱۳۵۳ ش . پس از سخنرانی یار و همرمزم شهید مفتاح - آیه الله خامنه ای - و با هجوم ساواک مسجد جاوید تعطیل و دکتر مفتاح و مقام معظم رهبری پس از دستگیری در زندان تحت شکنجه های سختی قرار گرفتند و دیگر ساواک به مفتاح اجازه فعالیت در مسجد را نداد. هنوز دو سال از آزادی وی از زندان نگذشته بود که ایشان در سال ۱۳۵۵ امامت مسجد قبا را پذیرفت که چون مسجد قبای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله محراب و میعادگاه تشنگان حق و فضیلت گردید.

در سال ۱۳۵۶ ش . شهید مفتاح اعلام کرد نماز عید فطر را در زمینهای قیطره خواهند خواند که این حرکت با وجود برق سلاحها و ماشینهای مسلح ارتش شاهنشاهی با استقبال جمعیت نمازگزار مواجه شد و شهید مفتاح در خطبه های نماز به افشاگری علیه طاغوت و استکبار و صهیونیست ها پرداخت و نام مبارک حضرت امام را در حضور هزاران نفر جمعیت مسلمان بر زبان جاری ساخت و بر اطاعت از فرامینش تاءکید کرد. از این تاریخ تا رمضان سال ۱۳۵۷ ش . فعالیت های مسجد قبل در قالب سخنرانی های پرشور در کلاسهای پرمحتوا ادامه

داشت. در صبح روز عید فطر دوشنبه ۱۳/۶/۵۷) در حالی که جمعیت انبوه با مفتاح همصدا بودند و فریاد فرح زای الله اکبر سر می دادند به سوی قیطره حرکت کردند. پس از مراسم نماز عید فطر مردم مسلمان با برنامه ریزی شهید مفتاح از زمینهای قیطره شروع به راهپیمایی کردند که شکوه آن شگفتی ناظران را برانگیخت. در این تظاهرات سرنوشت ساز که از ساعت شش بامداد آغاز و تا نیمه شب ادامه داشت صفهای چند کیلومتری جمعیت طول و عرض چندین خیابان را احاطه کرده بودند.

در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی و ورود رهبر انقلاب به کشور ایران با سازماندهی و تدبیر خردمندانه شهید مفتاح کمیته استقبال از امام برای این نمایش باشکوه مهیا گردید. آمارها جمعیت استقبال کننده را بین ۵ تا ۶ میلیون نفر گفته اند که بخش مهمی از نظم دادن به چنین حرکت با شکوهی به عهده شهید دکتر مفتاح بود و ایشان در سخنان پرشوری که در سیزدهم بهمن ۱۳۵۷ ش. ایراد نموده است به این حرکت با شوکت و عظمت اشاراتی جالب دارد.

### در سنگر دانشگاه

حکمت الهی چنین مقدر کرده بود که شهید مطهری و دکتر مفتاح که از شخصیتهای برجسته حوزه علمیه بودند به دانشگاه رفته و در دلها، انگیزه ها و هدفهای دو قشر دانشگاهی و روحانی وحدت ایجاد کنند و یکی از بلندترین آرزوهای امام یعنی پیوند این دو قشر را عملی سازند. شهید مفتاح اقدام عملی در راه رسیدن به چنین وحدتی را تغییر نظام آموزشی دانشگاه می دانست و عقیده داشت دانشگاهی که هدف آن پرورش انسانهای دانشمند، دیندار، متعهد و نیکوکار است باید علم و تخصص خود را در راه اعتلای کشور و تاءمین سعادت مردم به کار گیرد و در طریق استقلال، عزت و عظمت کشور از خود اهتمامی توأم با صداقت و جدیت به خرج دهند.

در برنامه چنین دانشگاهی باید عرصه بحث و تحقیق، علم و عمل توأم با اخلاص مهیا گردد. و به عقیده وی انس حوزه و دانشگاه با یکدیگر در رسیدن به چنین حالتی تاءثیر به سزایی دارد. آن شهید ضمن پیگیری به

وجود آوردن چنین تحولی در دانشگاه از نظر خط فکری در زمینه مسائل عقیدتی با خطوط التقاطی سخت مخالفت داشت و در برابر احزاب و گروه‌هایی که تفکر انحرافی داشتند لحظه ای آرام نمی گرفت و در مواردی با آنان درگیر می شد و به سبب همین موضع گیری صریح بود که به ترور وی اقدام کردند.

### شهادت

در صبح روز ۲۷ آذر ۱۳۵۸ ش . در جلو دانشگاه الهیات تهران مارقین انقلاب یعنی گروه منحرف فرقان آن متفکر وارسته را هدف چندین گلوله قرار دادند. آری جهاد آن شهید در عرصه اندیشه آن جاهلان از خدایی خبر را از میدان بدر کرده بود و راهی جز این ندیدند که قلمهای شکسته و فرسوده خود را بر زمین نهاده و گلوله برگیرند و مقر آن اندیشمند افشاگر را نشانه گیرند. آنان بزرگ مردی را ترور کردند که اسلحه ای جز قلم و سخن نداشت و کسی را به شهادت رساندند که کشتنش جز موج خشم آگین و نفرت و انزجار امت مسلمان نتیجه ای نداشت و اگر بدن پاکش در خاک و خون طپید، فکرش بیشتر تجلی نمود و از برکت خونش تحرکی تازه در اندیشه و باورهای امت اسلام به وجود آمد.

منبع: سایت حوزه و ویکی شیعه